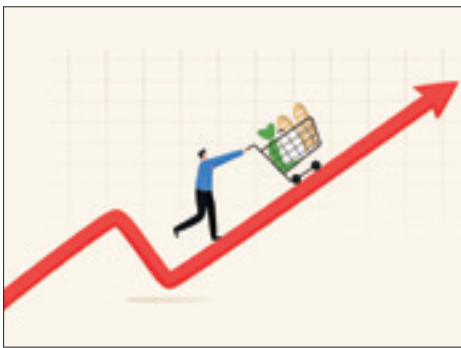


یادداشت‌های اسماعیل

## تورم افسار گسیخته و راهکارهای مدیریتی

رشد شتابان شاخص‌های قیمت، بار دیگر اهمیت مدیریت دقیق سیاست‌های اقتصادی و نظارت بر بازارها را نمایان کرده است. شاخص تورم ماهانه در دی‌ماه به رقم ۷/۹ درصد رسید، رقمی که تقریباً سه برابر میانگین بلندمدت کشور و نشان‌دهنده شتاب غیرمتعارف افزایش قیمت‌ها در دوره‌های کوتادمات است. چنین نرخ‌های تورمی فشار اقتصادی بر خانوارها را به شدت افزایش داده و توان خرید اقشار کم‌درآمد و جمعیت روستایی را به‌طور محسوسی کاهش داده‌است.فشارهای اقتصادی، به‌ویژه در سبد کالا‌های اساسی، اثر مستقیم بر معیشت خانوارها دارد و بحران‌های ناشی از تورم می‌تواند ابعاد اجتماعی و روانی قابل توجهی نیز داشته باشد.
تورم نقطه‌ای در دی‌ماه به حدود ۶۰ درصد رسید و رکورد تاریخی کشور را شکست. این میزان رشد قیمت‌ها، نه تنها نمایانگر افزایش مستمر هزینه‌های زندگی است، بلکه بی‌ثباتی اقتصادی و فقدان هماهنگی میان سیاست‌های کلان اقتصادی را نیز برجسته می‌سازد. تورم نقطه‌ای موادغذایی تقریباً ۸/۹ درصد بود، موضوعی که به افزایش فشار بر خانوارها به‌ویژه در تأمین نیازهای اولیه منجر شده است. این شرایط در مناطق روستایی که نرخ تورم نقطه‌ای به ۷/۱ درصد رسیده، بحران اقتصادی را عمیق‌تر کرده و پیامدهای جدی برای بخش کشاورزی و درآمد خانوارهای روستایی بر جای گذاشته است. استثنای‌های کمتر بر خوردار نیز وضعیت قابل توجهی را تجربه کرده‌اند، نرخ تورم در استان‌هایی با زیرساخت‌های اقتصادی ضعیف و کمتر بر خوردار تاریخی، مانند سیستان و بلوچستان، ایلام، کرمانشاه، لرستان و کردستان به بیش از ۷۰ درصد رسید. این افزایش شدید نرخ‌ها علاوه بر کاهش توان خرید، فرصت‌های توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری را محدود می‌کند و نابرابری اقتصادی میان استان‌ها را تشدید می‌کند. چنین شرایطی، رشد اقتصادی متوازن و پایدار را با چالش جدی مواجه می‌سازد و لزوم اتخاذسیاست‌های متمرکز و هماهنگ را بیش از پیش آشکار می‌کند. بی‌ثباتی اقتصادی و شتاب تورم، آثار قابل توجهی بر بازار سرمایه و رفتار سرمایه‌گذاران نیز دارد. افزایش مداوم نرخ‌ها، هزینه سرمایه‌گذاری بلندمدت را افزایش می‌دهد و انگیزه تولیدکنندگان برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد. این امر ضمن آنکه رشد اقتصادی را محدود می‌کند، بلکه موجب تغییر رفتار اقتصادی فعالان بازار به سمت احتکار و پیش‌بینی افزایش قیمت‌ها می‌شود. این چرخه معکوس، خود عامل تشدید تورم است و در صورت ادامه اثرات آن می‌تواند ساختار اقتصادی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

از منظر اقتصاد کلان، بی‌توجهی به شاخص‌های توروم و عدم مدیریت مؤثر آن، پیامدهای بلندمدتی بر رشد و پایداری اقتصاد دارد. تورم بالا، هزینه‌های افزایش می‌دهد، سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را کاهش می‌دهد و نوسانات شدید قیمت‌ها، تصمیم‌گیری‌های مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران را مختل می‌کند. اثرات تورم، علاوه بر اقتصاد، بر ساختار اجتماعی نیز تأثیرگذار است؛ کاهش قدرت خرید، افزایش شکاف طبقاتی و نارضایتی عمومی، انسجام اجتماعی و ثبات جامعه را تهدید می‌کند. مهار تورم نیازمند رویکرد جامع و هماهنگ است. ابزارهای متعارف پولی مانند تنظیم نرخ بهره، مدیریت نقدینگی و سیاست‌های مالی همچون کنترل بودجه و هزینه‌های دولتی، باید به صورت همزمان و با انسجام اجرا شوند تا اثرات تورم کاهش یابد. نظارت بر بازارها، شفافیت اطلاعات اقتصادی و ارائه داده‌های معتبر، اعتماد فعالان اقتصادی را افزایش می‌دهد و مانع رفتارهای هیجانی و پیش‌بینی‌نشده در بازار می‌شود. بدون اجرای این سیاست‌ها، تورم افسارگسیخته ادامه می‌یابد و اثرات آن بر رفاه عمومی و رشد اقتصادی بلندمدت غیر قابل جبران خواهد بود.



افزایش نرخ تورم موادغذایی، نشانه‌ای از فشار شدید بر سبد معیشتی خانوارهاست. کاهش توان خرید در برابر افزایش قیمت کالا‌های ضروری، نیاز به سیاست‌های حمایتی و برنامه‌های توزیع منابع برای جلوگیری از بحران غذایی را برجسته می‌سازد. در مناطقی که زیرساخت‌های اقتصادی ضعیف‌تر است، اثرات تورم بیش از پیش محسوس است و فشار بر جمعیت محروم، نابرابری اقتصادی و اجتماعی را تشدید می‌کند. مدیریت ناکافی این شرایط می‌تواند پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و امنیتی قابل توجهی داشته باشد. در حوزه اجتماعی، اثرات تورم افسارگسیخته فراتر از مسائل اقتصادی است. افزایش فشار اقتصادی، کاهش توان خرید و محدودیت دسترسی به کالا‌های اساسی، نارضایتی عمومی را افزایش می‌دهد واعتماد به نهادهای اقتصادی و سیاستگذاران را کاهش می‌دهد. چنین شرایطی می‌تواند به تغییر رفتار مصرف‌کنندگان و افزایش ذخیره‌سازی کالا‌ها، تغییر الگوهای پس‌انداز و کاهش مصرف واقعی منجر شود که خود اثرات منفی بر گردش اقتصادی و رشد تولید دارد. با توجه به روند شتابان تورم در استان‌ها و مناطق مختلف کشور، ضرورت برنامه‌ریزی کلان اقتصادی بیش از پیش مشهود است. مدیریت تورم نیازمند تحلیل دقیق شاخص‌های کلان اقتصادی، پیش‌بینی روندهای آتی و اتخاذسیاست‌های هماهنگ و علمی است. کنترل نقدینگی، تنظیم قیمت‌ها، نظارت بر بازار کالا و خدمات و سیاست‌های حمایتی هدفمنداز ابزارهایی هستند که می‌توانند روند افزایشی تورم را مهار کنند و شرایط اقتصادی را به سمت ثبات سوق دهند. برنامه‌ریزی برای مدیریت تورم باید متکی بر داده‌های معتبر و تحلیل‌های دقیق اقتصادی باشد. ارائه اطلاعات شفاف به فعالان اقتصادی، افزایش دسترسی به داده‌های آماری و پیش‌بینی روندهای تورمی، نقش مهمی در کاهش رفتارهای هیجانی بازار و افزایش ثبات اقتصادی دارد. علاوه بر این، هماهنگی میان هدفمند به اقشار آسیب‌پذیر، تنها راهکارهای مؤثر کالاهای اساسی و کالا‌های پرمصرف، ضروری است تا فشار اقتصادی بر خانوارها کاهش یابد و سطح رفاه عمومی حفظ شود.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که روند فعلی تورم، هشداردهنده و نیازمند اقدام فوری و علمی است. مدیریت تورم افسارگسیخته، ضرورت اقتصادی، اجتماعی و امنیتی دارد و بدون برنامه‌ریزی دقیق، اثرات آن بر سرمایه‌گذاری، رفاه عمومی و انسجام اجتماعی جبران‌ناپذیر خواهد بود. هماهنگی میان سیاست‌های کلان اقتصادی، اتخاذ تصمیمات مبتنی بر داده و ارائه حمایت‌های هدفمند به اقشار آسیب‌پذیر، تنها راهکارهای مؤثر برای بازگرداندن ثبات به اقتصاد کشور هستند. حفظ قدرت خرید خانوارها، کنترل روند افزایشی قیمت‌ها و ایجاد اطمینان اقتصادی، پیش‌نیاز رشد پایدار و توسعه متوازن خواهد بود.

گزارش بک زینب زرین

هر روز میلیون‌ها مترمکعب گاز در کشور سوزانده می‌شود و منابعی که می‌توانست به تولید انرژی، افزایش صادرات و درآمد ملی تبدیل شود، به هدر می‌رود. در شش ماه نخست سال ۱۴۰۴، میزان هدررفت گازهای مشعل روزانه به بیش از ۵۶ میلیون مترمکعب رسیده و ارزش اقتصادی این حجم از گاز هدر رفته بیش از ۶ میلیارد دلار در سال برآورد می‌شود. این میزان هدررفت، فاصله قابل توجهی با تکلیف قانونی برنامه هفتم توسعه دارد که دولت را موظف به جمع‌آوری روزانه ۴۳/۸ میلیون مترمکعب گاز مشعل تا پایان برنامه کرده است. هدررفت گاز مشعل، ضمن آنکه خسارات اقتصادی به کشور وارد می‌کند، بلکه پیامدهای زیست محیطی گسترده‌ای نیز در پی دارد و تهدیدی برای پایداری منابع انرژی ملی محسوب می‌شود. ۶ میلیارد دلار هدررفته گاز بسا دلار ۱۶۰ هزار تومان معادل ۹۶۰ هزار میلیارد تومان شد که اگر میان ۸۵ میلیون ایرانی تقسیم می‌شد، هر نفر سالانه ۱۱ میلیون تومان و ماهانه حدود ۹۶۱ هزار تومان در یافت می‌کرد.

کشورمان ایران اسلامی پهناور، با دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز یکی از تولیدکنندگان مهم انرژی در جهان است. با این حال، هدررفت گازهای مشعل یا همان فلرینگ یکی از چالش‌های جدی در بهره‌برداری از این منابع به شمار می‌رود. گاز مشعل، گازی است که به دلایل فنی، اقتصادی یا

زیست‌محیطی در زمان تولید نفت و گاز از سیستم جمع‌آوری خارج نشده و سوزانده می‌شود. این فرایند علاوه بر اتلاف منابع اقتصادی، باعث تولید دی‌اکسیدکربن و سایر آلاینده‌های زیست‌محیطی می‌شود و نقش مستقیمی در افزایش ردپای کربنی کشور دارد.

در شش ماه نخست سال ۱۴۰۴، میزان هدررفت گازهای مشعل به شکل روزانه بیش از ۵۶ میلیون مترمکعب تخمین زده شده است. این عدد از هدف تعیین شده در برنامه هفتم توسعه که جمع‌آوری روزانه ۴۳/۸ میلیون مترمکعب گاز مشعل را تکلیف کرده، فاصله معناداری دارد. از منظر اقتصادی، این میزان گاز هدررفته معادل بیش از ۶ میلیارد دلار در سال است که بر برنامه هفتم توسعه که توسعه صنایع پایین‌دستی و افزایش صادرات تبدیل شود. اتلاف این حجم از منابع، ضمن آنکه به اقتصاد کشور آسیب می‌زند، بلکه از منظر مدیریت منابع طبیعی و عدالت بین‌نسلی نیز قابل توجه است. منابع انرژی نباید بدون برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح هدر برود،

گزارش ۲ حسان کمالی

سیاست مالیاتی دولت، در شرایطی که تولیدکننده یا تورم بالا، نوسان نرخ ارز، کمبود نقدینگی و افت تقاضا مواجه است، به‌جای طرحی سیاست‌های حمایتی یا دست‌کم خنثی، مسیر افزایش فشار مالیاتی از طریق افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده، عدم تخفیف در مالیات بر عملکرد، تعویق عملکرد خنثی در اضافه‌کردن مؤدیان یا مالیات صفر و عدم اجرای مالیات بر سودآوری را انتخاب کرده است. به‌طور کاشفانسان، این رویکرد در نهایت منجر به ورشکستگی تولید می‌شود. ■■■

مالیات در همه اقتصادهای دنیا ابزاری برای تأمین مالی دولت و در عین حال تنظیم‌گری هوشمندانه فعالیت‌های اقتصادی است، اما این ابزار زمانی کارآمد است که در خدمت رشد تولید، گسترش پایه‌های مالیاتی و کاهش فعالیت‌های غیرمولد قرار گیرد. در شرایطی که اقتصاد کشور با رکود نسبی، کاهش قدرت خرید خانوار و نااطمینانی‌های بی‌دری مواجه است، بحران در بنگاه‌های تولیدی و خدماتی منجر شود. امروز بسیاری از فعالان اقتصادی هشدار می‌دهند که برخی تصمیمات مالیاتی دولت نه تنها به‌بهبود وضعیت درآمدی دولت کمک نخواهد کرد، بلکه موجی از تعدیل نیرو، کاهش سرمایه‌گذاری و حتی ورشکستگی کسب‌وکارها را به‌همراه خواهد داشت.

**فشار مستقیم بر تقاضا و تولید با افزایش مالیات بر ارزش افزوده**

اولین رویکرد ضدتولیدی مالیاتی دولت پیشنهاد افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده بوده است که در بودجه ۱۴۰۵ پیشنهاد شده است و مجلس با آن مخالفت کرد. این پیشنهاد افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده در محل ثبت افرادی بوده که آثار آن به‌سرعت در بازار نمایان می‌شود. مالیات بر ارزش‌افزوده در ظاهر از مصرف‌کننده نهایی اخذ می‌شود، اما در عمل کل زنجیره تولید و توزیع را تحت فشار قرار می‌دهد. با افزایش این نرخ، قیمت نهایی کالا و خدمات بالا می‌رود و در نتیجه تقاضای مؤثر کاهش می‌یابد. کاهش تقاضا مستقیماً به افت فروش بنگاه‌ها منجر می‌شود و بنگاه‌هایی با حاشیه سود محدود

# اقتصاد

سرویس اقتصادی۰۶۰۸۵۳۳

در ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۴ با افزایش هدررفت گازهای مشعل

# هر ایرانی ماهانه یک میلیون تومان از گاز مشعل زیان دید

روزانه بیش از ۵۶ میلیون مترمکعب گاز مشعل در ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۴ سوزانده شد؛ این حجم گاز معادل ۲ هزار و ۶۳۰ میلیارد تومان است

و اگر جمع‌آوری و میان ۸۵ میلیون ایرانی تقسیم می‌شد، هر نفر ماهانه حدود یک میلیون تومان در یافت می‌کرد

## «

مدیریت هدررفت گاز مشعل علاوه بر جلوگیری از زیان اقتصادی سالانه بیش از ۶ میلیارد دلار، نقش مهمی در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و حفظ منابع انرژی برای نسل‌های آینده دارد

از منابع پایدار و بهینه هستند.

علاوه بر پیامدهای اقتصادی، کاهش هدررفت گاز مشعل پیامدهای اجتماعی و محیط‌زیستی مهمی دارد. کاهش آلودگی هوا، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و حفظ منابع انرژی برای نسل‌های آینده از جمله مزایای مستقیم مدیریت صحیح گاز مشعل است. با توجه به تغییرات اقلیمی و فشارهای بین‌المللی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، هر اقدام عملی برای جمع‌آوری و استفاده بهینه از گاز می‌تواند نقش مهمی در تحقق اهداف زیست‌محیطی کشور داشته باشد.

پیگیری مداوم دولت و تأکید رئیس‌جمهور بر هفتگی بودن بررسی موضوع نشان می‌دهد که بخش اجرایی کاهش اهمیت ویژه‌ای به این مسئله می‌دهد. جلسات مستمر، گزارش‌دهی منظم و تخصیص بودجه برای پروژه‌های جمع‌آوری گاز مشعل، نشان از تلاش دولت برای کاهش هدررفت دارد. این اقدامات اگر با سرعت و دقت اجرا شوند، می‌تواند فاصله میان وضعیت موجود و اهداف برنامه هفتم توسعه را کاهش دهند و منابع ملی را به شکل بهینه حفظ کنند. با توجه به اهمیت اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی موضوع، ضرورت دارد که سیاست‌های جامع‌بسی‌ای کاهش هدررفت گاز مشعل تدوین و عملیاتی شود. این سیاست‌ها می‌تواند شامل افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جمع‌آوری گاز، توسعه فناوری‌های کاهش فلرینگ، افزایش شفافیت و نظارت و ایجاد انگیزه‌های مالی برای شرکت‌های بهره‌بردار باشد. چنین رویکردی منابع ملی را حفظ می‌کند و فرصت‌های اقتصادی جدید و اشتغال‌زایی در بخش انرژی ایجاد خواهد کرد. در نهایت، کاهش هدررفت گاز مشعل به معنای حفظ سرمایه ملی، ارتقای بهره‌وری اقتصادی، کاهش فشار بر محیط‌زیست و افزایش امنیت انرژی کشور است. اجرای سریع و دقیق برنامه‌های جمع‌آوری گاز، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش انرژی کمک می‌کند، زیرا سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به بهره‌برداری



کشور داشته باشد. بنابراین کاهش هدررفت گازهای مشعل هم‌زمان با بهره‌وری اقتصادی، اهمیت زیست‌محیطی نیز دارد. جمع‌آوری از نسوی دیگر، کاهش هدررفت گازهای مشعل فرصت‌های اقتصادی متعددی را ایجاد می‌کند. با جمع‌آوری گاز، امکان تولید برق، گاز مایع، محصولات پتروشیمی و سوخت‌های جایگزین فراهم می‌شود که می‌تواند بخش قابل‌توجهی از نیازهای داخلی را تأمین کند و زمینه صادرات محصولات با ارزش افزوده بالاتر را فراهم آورد. در نتیجه، هدررفت گاز نه تنها اتلاف منابع است، بلکه مانع ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدیدی نیز می‌شود.

دولت با درک اهمیت این موضوع، هدررفت گاز مشعل را در دستور کار هفتگی خود قرار داده و بر اجرای پروژه‌های کاهش فلرینگ نظارت می‌کند. این اقدامات شامل سرمایه‌گذاری در خطوط جمع‌آوری، توسعه زیرساخت‌های بالایشگاهی و افزایش هماهنگی میان وزارت نفت، شرکت‌های بهره‌بردار، سرمایه‌گذاران و در این بخش، روند کاهش هدررفت گاز مشعل را در دستور کار هفتگی خود قرار داده و بر اجرای پروژه‌های کاهش فلرینگ نظارت می‌کند. این اقدامات شامل سرمایه‌گذاری در خطوط جمع‌آوری، توسعه زیرساخت‌های بالایشگاهی و افزایش هماهنگی میان وزارت نفت، شرکت‌های بهره‌بردار، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در بخش انرژی کمک می‌کند، زیرا سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به بهره‌برداری

چراکه نسل‌های آینده نیز حق بهره‌برداری از این سرمایه‌ها را دارند.

عوامل متعددی در افزایش هدررفت گازهای مشعل نقش دارند. نخستین عامل، محدودیت زیرساخت‌های جمع‌آوری گاز است. بسیاری از میادین نفت و گاز، به دلیل نبود شبکه مناسب جمع‌آوری، مجبورند بخش زیادی از گاز همراه نفت را بسوزانند. دومین عامل، ضعف مدیریت و هماهنگی میان شرکت‌های نفتی و سایر نهادهای اجرایی است که مانع اجرای به‌موقع پروژه‌های کاهش فلرینگ می‌شود. همچنین، هزینه‌های بالای احداث و نگهداری خطوط جمع‌آوری گاز و کمبود سرمایه‌گذاری در این بخش، روند کاهش هدررفت را کند کرده است.

پیامدهای زیست‌محیطی هدررفت گازهای مشعل قابل توجه است. گاز سوزانده شده در مشعل‌ها شامل متان و سایر گازهای گلخانه‌ای است که نقش مستقیمی در تغییرات اقلیمی دارند. متان، گازی با اثر گرمایش جهانی بسیار بیشتر از دی‌اکسیدکربن، اگر به‌جای سوزاندن، جمع‌آوری و استفاده شود، می‌تواند سهم زیادی در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای

## خطر ورشکستگی کسب‌وکارها با سیاست مالیاتی دولت



غیررسمی سوق پیدا کند. این روند نه تنها درآمدهای مالیاتی پایدار را کاهش می‌دهد، بلکه رقابت‌سالم را نیز مخدوش می‌کند، زیرا فعالان قانونمندار در رقابت با فراریان مالیاتی قدرت کمتری خواهند داشت.

**خلأ اجرای مالیات بر سودآوری در بازارهای طلاورز**

در شرایطی که بازارهای طلا و ارز طی دوره‌های اخیر رشد‌های بالای صد درصدی را تجربه کرده‌اند، اجرای قانون مالیات بر سودآوری می‌توانست هم‌نقش تنظیمی در بازار داشته باشد و هم منبع درآمدی عادلانه‌ای برای دولت فراهم کند. با این حال، این ابزار مهم در برنامه‌های اجرایی مالیاتی جایگاه روشنی ندارد، در حالی که فعالیت‌های غیرمولد و سفته‌بازانه سودهای کلانی به همراه دارد. فشار مالیاتی بر بخش مولد و شفاف‌تر متمرکز شده است. این وضعیت پیامی منفی به جامعه منتقل خواهد کرد که فعالیت‌های سودآورانه کم‌ریسک‌تر و پرسودتر از تولید است. نتیجه بخش مولد اقتصاد، موجب شده بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی بدون پرداخت مالیات انجام شود. در چنین شرایطی، هر گونه افزایش نرخ مالیاتی برای بخش رسمی تنها انگیزه خروج از شفافیت را افزایش می‌دهد. بنگاهی که احساس کند هزینه شفاف بودن بیش از مزایای آن است، ممکن است به سمت فعالیت

در گفت‌وگو با «جوان» در تشریح روند بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۵ اظهار کرد: در حال بررسی لایحه سنواتی ۱۴۰۵ در بخش منابع و مصارف هستیم. به‌طور خلاصه، بودجه یعنی یک سمت باید منابع و پول پیدا کنیم و در سمت دیگر هزینه کنیم. طی دو تا سه روز آینده بخش منابع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وی افزود: عمده منابع درآمدی دولت مانند گذشته شامل مالیات، نفت و فروش اموال است، اما در حوزه درآمدی، تکیه اصلی دولت بر مالیات قرار گرفته است. مالیات نیز موضوعات مختلفی از جمله مالیات بر برآمد، مالیات بر سود، مالیات بر ارزش، مالیات شرکت‌ها

وزارت صنعت، معدن و تجارت

و مالیات بر ارزش افزوده را شامل می‌شود. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی ادامه داد: در مجلس تلاش کردیم مصوبه‌ای را به تصویب برسیم که بر اساس آن، برای واحدهای صنعتی، پوویزهای واحدهای تولیدی و دوازده و کوچک‌مقیاس، پنج واحد درصد کاهش مالیات در نظر گرفته شود، اما متأسفانه این پیشنهاد تصویب نشد و این را می‌توان یکی از نقاط ضعف بودجه سال آینده نسبت به سال جاری دانست. امسال نرخ مالیات ۲۰ درصد محاسبه می‌شد، اما سال آینده همان ۲۵ درصد باقی خواهد ماند. این مهم‌ترین ضعف قانون بودجه امسال است، زیرا در بخش حمایت‌ست از تولید کاری صورت نگرفته است؛ از سوی البته فشار مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده را کاهش دادیم و گذاشتیم نرخ این مالیات نیز افزایش یابد که تورم بودجه هم کاهش تقاضای کل را به همراه دارد.

پورهقان درباره مالیات بر ارزش افزوده گفت: دولت پیشنهاد داده بودند که مالیات بر ارزش افزوده از ۱۰ درصد، دو واحد درصد افزایش یابد و به ۱۲ درصد برسد. ما اجازه این افزایش را ندادیم، زیرا معتقد بودیم ممکن است منجر به تورم شود و واحدهای صنعتی را با چالش مواجه کند.

پورهقان در پایان خاطر نشان کرد: در مجموع، در حوزه مالیاتی تلاش کردیم هوای واحدهای تولیدی را داشته باشیم و معایب‌های مالیاتی مناسبی برای بخش تولید در نظر گرفته شده که امیدواریم اثر گذار باشد. با این وجود باید از تصمیمات مالیاتی علیه تولید جلوگیری کنیم.